

عشق به انسانها آنجاست که عاشقانه زندگی میکنند  
و با پیوند همیشه پایدار که سوگندش را در قلبهایمان جاودانه کرده اند،  
به هم درآمیزند و یکپوشه شوند،  
چه شادمانه است تکرار فریادگونه این سوگند

۱

سبب عشق کرم مرآتیم  
آنجا که دو شیخ دستها کلام زندگی است

۲

کنند دوا را  
از سر سخن عشق ندیدم خوشتر  
مادگار در این

۳

اگر آن عشق را زبانه بود  
آغاز زندگمش ترک خود را بشمیرد  
با تشریف فرما خود سرافرازمان فرماید

۴

زندگی  
قشنگترین صبحها  
عشق بهانه آغاز بود آغاز  
عشق بهانه بسزایم است نبود و اینک صبا...  
بارخوشتر است بر این عاشقین دستها  
رونق بهارترین ثانیه با زندگی ما

۵

در پیشگاه حجت محضر زمان مهدی (ع)

منحبر جهان

منت دار حضور شمایم.

۶

در انتظاریم

و خود خود

مخفتر آرا سرور ما باشید

۷

با عشق چیت بخیر <sup>عشق</sup> <sup>هم رسید</sup> <sup>عفترا آغاز</sup>

با هم ماندن غیر، زندگمر

زندگمر عشق غیر، کامیاب

۸

در انتظاریم با  
وجود خود  
مجنون آرا سرور ماباید

۹

یاد امام عدل کتر راستین در فضا آکنده از شمیم کلمه ولایت  
و جمع از شتاقان ظهورش دوشکوفه از گلستان اسلام  
پیمان، مہنگتر و پیوستگر مینند. هر روز شازنیت افزا  
مختر است.

۱۰

نشکامها  
مطرب بگونه کارها  
قمر به نور باوه بر  
هرگز نمیرد آنکه در زند  
ششده عشق  
شیت  
حسرت  
بر بریده  
مردم  
دوام

۱۱

قلب من و تو را  
پیوند جاودانه مهر است درها  
پیوند جاودانه مانا گشته باد  
تا آخرین دم از نفس و این عهد است باد

۱۲

بار سفر بسته ایم به قصد دریا و بحر  
در گاه آغازین این سفر همان باشد

۱۳

مخوان، سیم مهربان را بسا موزیم  
موسم نیلوفس اسرار ما شمارا مخواند

۱۴

زندگرم خوشایند است  
ماگره خوا، سیم زد  
دلہارو عشق زندگرم باہر  
ماہیک اینہ یک ستر پاک قناعت داریم  
مقدمان رو کرا مسید ایم

۱۵

بہشت عشق کرد، ہم مائیم  
انجا کہ دوست داشتم تنہا کلام زندگرم است

۱۶

خانه اساتیدم با ما هم بیاید  
در فرا سوختن بار، ما ترا من خواهم تا به لطیف مست  
این دل کوچک ما هم به دامنش نشود

۱۷

بیایا که بر افشایم  
الگو من که در کافور قلب  
جوانه ما را شاد و شکر فام شود بر شامت که با  
وجود خود این نرم را بسیار است

۱۸

از دورترین جا سگه ما به آریم  
و تاراج بودیم باسیم  
با حضورتان شادمانی را دو خدا کنید

۱۹

بهاشوق چسبیت، بجز عشق  
بهم رسیدن نغیر آغاز  
با هم ماندن نغیر زنگر  
زنگر با عشق نغیر کامیاب

۲۰

خانہ اساتذہ ایم  
سایں عشق  
زیر پافش غرور و حصارش ہمہ نکرار صفا

مادر این جمیع لطیف  
لطف دیدار تو را طلبیم

۲۱

حافظ محمد بران شد  
بوی خوش و صبر آمد، شادیت مبارکباد  
اساتذہ شیدا

۲۲

پایان هر فرقی رسیدن است  
ما اکنون به نقطه ای رسیده ایم که خود آغاز یک  
در این آغاز هم فرما باشید

۲۲-۱

دلشان مرخوامد بام سحر  
شاخه اراز کمریاس، بوتله اراز کمر می  
بغیر از کمر سبزه، همه را دسته کنند  
برگزیند بازند، سبزه از پر طاووس سپید  
تا دهند مشوره به آنها که در این بزم به ما پیوندند .

۲۳

خواهم آمد سر بر دیوار منجیر خواهم گشت  
پای بر چرخه ای، شعر خواهم خواند  
آشتی خواهم داد دوست خواهم داشت  
زندگی خالی نیست  
مهربان هست، بی بهت، ایمان هست

۲۴

ستاره کاغذی خسته خورشید  
بودیم، بالا تر از ما  
در آسمان زندگی جستجوگر ستاره  
بدش  
در زمین آسمان دو ستاره  
و به پای دریا و یاسیم آنچه را میخواستیم پس تو را خوب

۲۵

دست در دست هم نهاده ایم و سفره دوستی را  
در دست آرزو ما گسترانده ایم تا هر خاطره اگر را به  
زیبا سرور دلهای ما بوییم  
که زندگی سرتنها یادگار از محبت ما است  
شوق فشردن دستان شما بر ایمان انتظار است شیرین

۲۶

در قصر بلور دلهای ما پویند همیشه بنر  
خود را بشیرین کیریم و کلبه عشقی مرسانیم  
میان باغ فردا ما  
ز غنیت قصرمان دو خندان مرشد با حضور شما.

۲۷

تسبم عشق کوشش برای از نگاه خداست

بانگاه او آغاز می کنیم

۲۸

منم و این صبر و عاقبت و باری و عم

۲۹

ملا هزار مسی دست و  
هزار رتوی  
شروع شادی و پایان انتظار تویی

۲۰

زیرا سعادت پیمان  
ما را در این عشق همراه با سید

۲۱

یار بابا است چه حاجت که زیادت طلبیم  
دولت صحبت آن مونس جان ما را بس

۲۲

نقطه ما می گذرد...  
قصه ای هست که دیگر هرگز  
نشان شد آغاز ما بر آیم تا به  
دیوار همین نقطه که در آن همه  
چیز رنگ لذت دارد آویزیم

۲۳

خازن میسازیم در، بلند بر هب سار  
بر درخت احساس رو بر گلبرگ گسترش  
که از آن عشق خدا مرود  
ما از احساس گمسخ مدد میگیریم  
و دل کو چکان خوشنود ز دیدار شما مرود

۳۴

همتمان بدرقه راه کنس ابر طایر قدس  
که دراز است ره مقصد و مانوسیم

۳۵

در آسمان زندگی خوشیست جو کمر ستاره ام بودیم  
بالا تراز ما مرستارگان بدخشند گمخورشید  
و به کپر دریا و یاقسیم آنچه را مرخواستیم  
پس تو امر خوب در بزم آسمان این دو ستاره بدخش

۲۶

خدا یا به هر آنکه دوست میدار بسیار بیاموز که عشق از زندگی گم کردن برتر است  
و به هر آنکه دوست تر میدار چنانچه دوست داشتن از عشق هم برتر است

۲۷

مخواسیم بادل خوشی ما را کنیم  
نقطه پایان را با حضور عشق زیا کنیم  
و آشیانه تازه برپا کنیم  
حضور شما در این بزم نشانه پاکترین محبتهاست

۲۸

بلام هیچ شبیه تو نیست  
کنار تو در کیر آرامم  
همیشه از تمام جهان کافیه  
همیشه که کنار تو نفسم کشم

۲۹

هر چه کوی آخرت دارد بجز کفّار  
کسین همه گفتند و آخرت این افکار  
مقدمان را که امیداریم

۴۰

سوره عشق شنیدار  
نشسته است  
قلمر گاهستان  
تلاوت

۴۱

زندم بودنی‌ها، توقفت از آن منسبت

که به غیر با تو بودن،

دلم آرزو نداد

۴۲

گر در برود کف و معشوق بجام است

سلطان جهانم به چشمت روز غلام است

گو شمع میارید در این بسج که آتش

در محضر ما ماه رخ دوست تمام است

۴۳

با تو هستی همراه می‌شویم و پیمان می‌کنیم  
که همیشه دوست بداریم مهر بوزیم عاشق باشیم  
خضورتشما خاطره این حسن را جاودانه سازد

۴۴

عشق

در دیدگان شروع شد  
بر لبهایمان جاری گشت  
و با ازدواجان حیات تازه یافت  
از دیدن شما در مخلصان احساس خوشبختی خواهیم کرد

۴۵

بیاید تا خلوت ستارگان سفر کنیم  
بایک ترانه از کوچہ ہا عشق گذر کنیم  
ہمکان را از محو عشق خبر کنیم  
و حسر گاہ پیوند را نظر کنیم

۴۶

بیاور تا اہم افق ہمہ چیز  
گم ہاں ہستیم  
بخشندہ عشق، سرگیم، اورندہ  
شاد و این لہیز لہیز  
محببت ما  
لہیز لہیز حضور شاہرہ

۴۷

آنگاه که دست روزگار در چرخش بود  
قلبه میان برسم که خورد  
و شما طراوت نوبهارمان را  
با وصل سبز بلایم جاودانه کنید  
اللهم نماز

۴۸

چه زیباتر نرم آواز سوت دلاخ غمگین  
چه زیباتر نوا نرسد دلدادگان  
خوش آمدان گوئیم به معیادگاه دوباره وجودمان  
به معیادگاه دوباره پیش قلبمان، آنجا که دوست داشتن  
تسا کلام زندگیست.

۴۹

آنگاه که دست روزگار در چرخش بود  
قلبه میان برسم که خورد  
و شما طراوت نوبهارمان را  
با وصل سبز بلایم جاودانه کنید  
اللهم نماز

۴۸

چه زیباتر نرم آواز سوت دلاخ غمناک  
چه زیباتر نوا نر دلداد گان  
خوش آمدن گوئیم به میعادگاه دوباره وجودمان  
به میعادگاه دوباره پیش قلبمان، آنجا که دوست داشتن  
تسا کلام زندگیست.

۴۹

خانه اس ساخته ایم، ابر نعلیر آسمان

تا دتاس قلبهایمان، بارش باشد سبز و دخواه و بهار

نیاز، رسیدن توست در محضر عاشقانه مان

۵۰

آرزو، آغاز دوستی و شمشیر

ما به پایان دگر نیندیشیم  
گر چه پایان راه ناپیدا

مقدمان گرامی باد  
که همین دوستی و شمشیر زیبا

۵۱

خانه اس ساخته ایم، ابر نعلیر آسمان

تا دتاس قلبهایمان، بارش باشد سبز و دخواه و بهار

نیاز، رسیدن توست در محضر عاشقانه مان

۵۰

آرزو، آغاز دوستی است

ما به پایان در کشیدیم  
گرچه پایان راه ناپید است

مقدمتان گرامی باد  
که همین دوستی است شبنم زیبا

۵۱

در میان همه کلمات نجیب  
هر مریم چه میدم  
واندین مخضر عشق  
باد و صد شاخه یاس  
مقدم پاک شما یاران را  
همه مگر مکاریم

۵۲

نامه آنر بنوشته بودیم از است  
تا بخوانید کنون مستانه است  
ما به شمع رویان دل بسته ام  
تا دهم این عاشق را دست به دست

۵۳

در میان همه کلمات نجیب  
هر مریم چه میدم  
واندین محض عشق  
باد و صد شاخه یاس  
مقدم پاک شما یاران را  
همه مگر مکاریم

۵۲

نامه‌ای نوشته بودیم از است  
تا بخوانید کنون مستانه است  
ما به شمع رویان دل بسته‌ام  
تا دهم این عاشق را دست به دست

۵۳

پیوندمان نسیم تفاهم و دوستی را بر عرصه مصفا می

زندگی می پراکند

و ما آغاز این با هم زیستن را جشن می گیریم

حضور شما عطر صفا و مهربانی محفل ماست

۵۴

یاد تونه بچه بودیم کف دستین

ایشا... عروسیتون

حالا موقشه، تشریف بیارین

-۵۵

پیوندمان نسیم تفاهم و دوستی را بر عرصه مصفا می

زندگی می پراکند

و ما آغاز این با هم زیستن را جشن می گیریم

حضور شما عطر صفا و مهربانی محفل ماست

۵۴

یاد تونه بچه بودیم کف دستین

ایشا... عروسیتون

حالا موقشه، تشریف بیارین

-۵۵

مرا به رجعت خورشید باور است هموز

دل بسته ایم به صبح سپید، به سپیدی بلندترین تیغه خورشید

دل بسته ایم به زندگی، با ما باشید

۵۶

برایم تا در هنگامه بهار و هواگر که سرشار از

بود دل انگیز غطرگهاست، آغاز پیوند

جاودانه زندگیمان را جشن میگیریم.

حضورتان زیباترین شاد در محفلمان را افزوتر خواهد نمود.

۵۷

مرا به رجعت خورشید باور است هموز

دل بسته ایم به صبح سپید، به سپیدی بلندترین تیغه خورشید

دل بسته ایم به زندگی، با ما باشید

۵۶

برایم تا در هنگامه بهار و هواگر که سرشار از

بود دل انگیز غطرگهاست، آغاز پیوند

جاودانه زندگیمان را جشن میگیریم.

حضورتان زیباترین شاد در محفلمان را افزوتر خواهد نمود.

۵۷

کنار آشنا تو آشنایه منم  
فضا آشنایه را پر از ترانه منم  
کسی سؤال مر کند به خاطر چه زنده ام؟  
و من بر سر زندگی، تو را بهانه منم  
امید دارم که هر وجودمان زیاترین نقش باغ خاطره این روز باشد

۵۸

«مرا به رجعت خویشید باور است هموز»

دل بسته ایم به صبح سپید، به سپید بلندترین تنه خویشید  
دل بسته ایم به زندگی، با ما باشید.

۵۹

کنار آشنا تو آشنایه منم  
فضا آشنایه را پر از ترانه منم  
کسی سؤال مر کند به خاطر چه زنده ار؟  
و من بر سر زندگی، تو را بهانه منم  
امید داریم که هر وجودمان زیاترین نقش باغ خاطره این روز باشد

۵۸

«مرا به رجعت خویشید باور است هموز»

دل بسته ایم به صبح سپید، به سپید بلندترین تنه خویشید  
دل بسته ایم به زندگی، با ما باشید.

۵۹

الای های همایون نظر      نخته سروش مبارک خبر

بازدل محبتی و قبول دعوتی چه شادی و شغفی به زتشریف فرمایی

آن بزرگواران به جشن پر مهر پیوندا

۶۰

آرز، آغاز دوست داشتن است

با به پایان دگر نیساندیشیم

گر چه پایان راه ناپید است

که همین دوست داشتن زیباست

مقدمان گرامر باد

۶۱

ار از عشق پاک منم همیشه مست  
من تور را آسانم نیور دم به دست  
بارها ایم کو دک احسا من  
زیر بار اسمها کشک من نشست  
من تور را آسانم نیور دم به دست

۶۲

یک سبدا ز گل یاس، عطر کیوس چمن،  
یک غنزل آب روان، یک ترانه دست چنگ،  
ما پر از شوق وصال، بمقدم با گل سرخ  
مر کنیم آغواز عشق

۶۳

امشب شب آن دولت برپایان است  
دل در سپردیدار رخ جانان است  
یاران همه جمعند در این محفل شاد  
شب نیست عروسر خدا جوان است

۶۴

قلب من و تورا  
پیوند جاودانه مهر است در نهاد  
پیوند جاودانه مانا گسته باد  
تا آخرین دم از نفس و اسپین ما این عهد بسته باد

۶۵

عشق بماند آغاز بود، بماند بزم با هم زین عشق  
و اینک وصال ...

*From far away we found each other  
Until the end of time , we are together  
we request your presence in this moment  
of transcendence  
To our marriage celebration in which there  
Is no end*

۶۶

ما زین سر زندگی ما سر را با ایما سر  
ایما سر به خدا و عشق به علی و زهرا آغاز میکنیم  
باشد که در زندگی ما هم و در کنار هم  
رهنما سر این راه پاک باشیم  
مانا در راه ما راه همراه شوید ...

۶۷

از صد سخن عشق ندیدم خوشتر یادگار که در این کنج دو اربابند  
در بزم کوچک ما شاد بر بزرگرموج مرزند حضور شاد این بزم نشانه پاکترین محتبهاست.

۶۸

میروند تا مونس هم یار هم غمخوار هم باشند و آغازین محطات  
زندگی نوین خود را جشن میگیرند و با چهره‌ی گشاده پای شام  
گل میسیریند

گلی روی شام عزیزان گرمی بخش محفل ما خواهد بود

۶۹

در قصر بلور و لهایمان پیوند همیشه سبز  
خود را جشن میگیریم و کلبه عشقی میسازیم  
میان باغ فرداها  
زینت قصرمان دو چندان می شود با حضور شما

۷۰

ما به هم پیوستیم، آسمان آبی شد  
آب هم آبی تر  
لب این آب روان دل ما هم آبی  
به شما هم گفتیم جشن ما شد کافی

۷۱

پذیرای شوم مهر تو بلازجام  
هم‌الذو بنامی گویم میان را  
با تو وفا طارح و احم مانند

۷۲

... و حالا مادر آغسازین سفریم  
سفری تا بنهایت  
سفری تا انتهای زندگی  
به امید با هم رفتن و با هم ماندن  
تا جاییکه هیچ‌انگلی از چشمی بنارود و جز به شوق  
در آغسازین سفر همراهیمان کنید.

۷۳

اگر به خانه من آمدی  
برای من امشب چراغ بساز  
و یک در چپ که از آن به ازدحام کوچه نوح برنگرم

۷۴

اگر چراغ سرخ شقایق  
باتوبه قافله نور میرویم، باتو  
به سر منزل امید میرویم، به باد ادمر، به خطه پیوند  
در کنار نام باشید تا سپیده یک رنگم

۷۵

به شوق پریدن باید بگریه سال شدند تا بر آستان جانان فرود آیند  
به روزه رضوان آذر عشق فداه است  
به شکرانه بهار که در ابتدا رزستان کاشانه دلشان را گرم کرده  
دست به دست هم دهم و با ملائک هم آواشیم

۷۶

الهی عشق به انسانها آموخت که عاشقانه زندگی کنند  
و بایستد همیشه پایدار که سوگندش را در قلبهایشان جاودانه  
کرده اند به هم در آمیزند و یکی شوند، چه شادمانه است تکرار فریاد گونه این سوگند...

۷۷

عشق بجهانه آغاز بود  
جهانه سبز با، نسیم زیت  
و اینک وصال

۷۸

در اولین نگاه زندگی بانگهای امیدوار بالهای محبت  
را گشوده ایم تا به با آسمان سعادت پر کشیم و اینک  
پیک مهربانی را سویتان فرستادیم تا با حضور کرمتان در این میعاد  
توان بالهایمان را قوت بخشید.

۷۹

پیوند ماخیزیم تقاسم و دوتر را بر عرصه مصفا  
 زندگیم را کند  
 و ما آغاز اینجاست با آرزویش را برین میگیریم  
 حضور شما عطر صفا و محبت با نثر محفل است  
 امیدواریم که مگر وجودتان زیباترین نقش باغ خاطره این روز باشد

۸۰

تو رو خدا پاشین بیاین →      
 واسه یه جشن    
 عز و سیاحت     
 بنوشته ۱۳۸۶/۳/۱۴ بصرف شیرینی و شام  
 تو یه ساله     
 از ساعتی ۱ تا دوماه صبح      
 تازه پذیرایی هم میشه      
 راستی ▶ تا یادمون لرحته بدار آدرشتم بدیم  
 میان مهموری. بین ماض و فرانس  
 کوه قه هرشاد. پلاک ۱۶  
 موب دتته می بینمتون     
 

۸۱

دست در دست هم نهاده ایم  
و در سپیده دم بزرگترین رویداد زندگی  
حسن کو چکر آراستیم  
شوق فشردن دستمان شما  
برای نام انتظار است شیرین

۸۲

با طلوع مهتاب  
زیر چتر نقره فام اختران  
در کنار سفره یاس سفید  
در گذرگاه زمان  
دو کبوتر آرام، در سکوت ساده تیر شبان  
شعر پر شور بهاران را خواهند سرود  
اگر همه پاکدلان تا به اوج باران، همراه ما باشید

۸۳

با قلبهای سرشار از توکل به خداوند بزرگ  
آغاز زندگی مشترک خود را جشن میگیرید  
حضورتان کرمتر بخش میماند  
سرشائبه ولو چپس ما خواهد بود

۸۴

امشب شب آن دولت برپایان است  
دل در سپردن رخ جانان است  
یاران همه جمعند در این محفل شاد  
شب نیست عروسر خدا جویان است

۸۵

در پیشگاه شما

آغاز زندگی نوین را در  
بوستان مهر و گلستانی  
از شادمانی جشن می گیریم

۸۶

نقطه های گذرد...

قصه ای هست که دیگر هرگز  
نشان شد آغاز ما بر آیم تا به  
دیوار همین نقطه که در آن هم  
چیز رنگ لذت دارد آویزیم

۸۷

زیر این سقف کبود دل ماملو از روشنی است  
کامان شیرین است به می و امید  
در میان همه گلهای نجیب گل مریم چیدیم  
واندر این محفل عشق باد و شاخه یاس  
مقدم پاک شایاران را همه گل می کاریم

۸۸

گل نیارید چون خودتون گلید  
تعریف آزاده را نکنید چون کاوه از قبل ستایش کرده  
بچه نیارید چون خوابش می بره  
مجلس را گرم کنید چون از خود تونه  
در ضمن به کاوه دل داری ندید چون آب از سرش گذشته!

۸۹

مازیربنای زندگیمان را با عشق آغاز می‌کنیم  
و با هم یکی شدن را در محبت خلاصه می‌کنیم  
باشد که در زندگی با هم و در کنار هم رهروان  
این راه باشیم با ما در این راه، همگام شوید

۹۰

دو چشم انتظار ظهور آن پرده‌نشین (عج) در پرتوی والای محمد و آل محمد پیوند  
خود را به آن امید بسرو می‌نهند که دیگر روز جرعه نوش زلال شفاعتشان کردند  
حضور شایسته‌ی افزایش محفل ماست

۹۱

همبستگی ما فضل نوینی از کتاب زندگیست  
می اندیشیم که این بزم را بدون شما صفایی نیست

۹۲

در اولین نگاه زندگی با نگاهی امیدوار با الهای محبت  
را کشوده ایم تا به با آسمان سعادت پر کشیم و اینک  
پیک مهربانی را سویتان فرستادیم تا با حضور کرمتان در این میعاد  
توان با الهایمان را قوت بخشد

۹۳

دو پرستوی جوان از باغ زندگیمان اولین  
بهار زندگی شترکشان را شروع می کنند  
بهاری که برای آنها شادی به ارمغان می آورد  
بهاری که تولدی دیگر از یک زندگی است  
آرزو داریم که با آهنگ قدم شما  
بهاری زیبا تر داشته باشیم

۹۴

... و حالا مادر آغاز سفریم سفر تا منتهایت  
سفر تا انتها سفر زندگی  
به امید با هم رفتن و با هم ماندن  
تا جاییکه هیچ اشک از چشم نبارد جز به شوق  
در آغاز این سفر همایمان کنید

۹۵

عشق باغی است که باغ بهشت سبزتر است

زهرآینه شفاف تر است

باقدمهای پر مهر خود نهال عشق ابدی مان را آبیاری نمایند

۹۶

برای زیستن دو قلب لازم است

قلبی که دوست بدارد

قلبی که دوستش بدارند

۹۷

اگر خیر آدم خوبتی باشی  
یکی رو تو زندگیت می بینی که زندگیتو  
به دو بخش قبل و بعدش تقسیم می کنه

۹۹

تو منم برگزیدم از میان این همه خوبانم  
بلائی زیستیم با تو میان این گولاهانم  
بر لب آرام این سخن با تو...

وفادار تو خواهم بود در هر لحظه هر جا

۱۰۰